

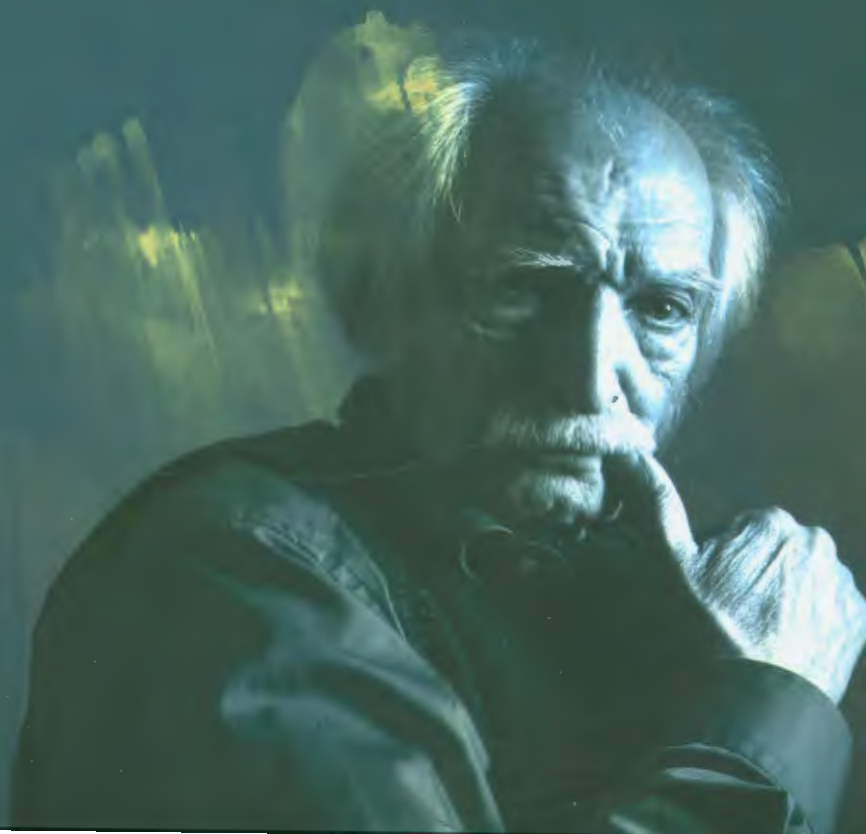


(چهار نقد و یک مصاحبه)

محمود دولت آبادی

چہ مے گوید؟

حسن گل محمدی



محمود دولت آبادی چه می گوید؟

محمود دولت آبادی

چه می گوید؟

(چهار نقد و یک مصاحبه)

حسن گل محمدی



تهران - ۱۳۹۹

سرشناسه	گل محمدی، حسن، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	محمود دولت آبادی چه می گوید؟ (چهار نقد و یک مصاحبه) / حسن گل محمدی.
مشخصات نشر	تهران، انتشارات یاقوت علم، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۱۰۳ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	ISBN 978 - 622 - 6903 - 20 - 2
وضعیت فهرست نویسی	فیبا.
موضوع	دولت آبادی، محمود، ۱۳۱۹، -- نقد و تفسیر
موضوع	Dolatabadi, Mahmmu -- Criticism and interpretation
موضوع	داستان های فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
موضوع	Persian fiction -- 20th century
موضوع	History and criticism
موضوع	داستان نویسان ایرانی -- قرن ۱۴ -- نقد و تفسیر
موضوع	Novelists -- 20th century
موضوع	History and criticism interpretation
رده بندی کنگره	PIR۸۰۴۷ :
رده بندی دیویی	۸ فا ۳ / ۶۲ :
شماره کتابشناسی ملی	۷۳۴۷۷۲۳ :



انتشارات یاقوت علم

محمود دولت آبادی چه می گوید؟

(چهار نقد و یک مصاحبه)

حسن گل محمدی

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۲۵۰ نسخه

چاپ: دیجیتال تهران

انتشارات یاقوت علم

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۸۲

شابک: ISBN 978 - 622 - 6903 - 20 - 2

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ است.

۲۵/۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۷
مشکل نقد در جامعه ادبی ایران	۱۳
لزوم نقد در جامعه و جامعه نقدپذیر	۱۷
محمود دولت آبادی و مجموعه داستان «بنی آدم»	۲۵
نقدی بر کتاب «طریق بسمل شدن»	۳۵
عبور یک طرفه از خود، نقدی بر کتاب «عبور از خود»	۵۳
بیهودگی های نوستالژیک، نقدی بر کتاب «بیرون در»	۷۹
مصاحبه با محمود دولت آبادی	۸۹

پیشگفتار

در این پیشگفتار کوتاه قصد ندارم آنچه که دیگران به مکرر درباره آثار دولت آبادی نوشته اند را من هم تکرار کنم. همه ما، حتی نگارنده، بارها درباره تعهد یک نویسنده به جامعه، طرز بیان و زبان نگارش و خصوصیات نویسنده ای به نام دولت آبادی، مطلب نوشته ایم. خود این نویسنده در جایی گفته و نوشته است که به نقد آثارش توجهی ندارد و آنها را نمی خواند. بنابراین وقتی تصور یک نویسنده از نقد آثارش این گونه باشد، آیا وقت و زحمت یک منتقد در نقد این آثار، بیهوده تلف نمی شود؟

چون نقد بر پایه مثلی اثربخش است که در سه رأس آن نویسنده، خواننده و منتقد قرار گرفته اند، اگر نویسنده ای مثل دولت آبادی به نقد توجه نداشته باشد، آیا باید منتقدین به نقد آثارش پردازند یا نه؟ معلوم است که جواب این سؤال مثبت است. بگذارید این نویسنده در تفکر ضدنقد خود باقی بماند، خواننده و منتقد که نباید از نقد

آثارش به این بهانه که او به این کار توجهی ندارد، دست بکشند. نویسنده‌ای که به نقد اعتقاد ندارد، مثل یک ماشین تولید داستان‌نویسی، افکار و اندیشه‌های پس ذهن خود را که متعلق به نسل‌های گذشته است، تولید می‌کند و مرتب به بازار می‌فرستد و این جاده یک‌طرفه را با سرعت می‌پیماید. او نگاهی به عقب نمی‌اندازد تا ببیند راه را درست می‌رود یا نه؟ همچون دولت‌آبادی که دچار مشکل تولید کمیت شده و به کیفیت توجهی ندارد.

محمود دولت‌آبادی به عنوان یک نویسنده، برای کی می‌نویسد؟ چه اهدافی دارد و آیا تاکنون به این اهداف رسیده است یا نه؟ معلوم است جامعه ادبی ما که از آثار ارزشمند ادبیات متعهد و روزآمد تهی شده است هر نویسنده‌ای و آن هم کسی مانند دولت‌آبادی که دارای سوابق ایدئولوژیک و آثار فراوان است، کتاب‌هایش بسیاری از خوانندگان را به خود جلب می‌کند و آنها می‌گویند: دولت‌آبادی نویسنده بزرگ معاصر ما است که آثارش برای جامعه مفید بوده است. این طرز تلقی از آنجا ناشی می‌شود که ما نقد در جامعه ادبی مان نداریم. منتقد درست و حسابی نداریم. جامعه نقدپذیر نداریم. نویسنده مطرح از نسل‌های جدید نداریم. این جا است که در یک میدان بدون منتقد و در یک جامعه نیازمند به آثار ادبی روشنگر، افرادی مثل دولت‌آبادی که آثارش حتی به درد نسل‌های گذشته هم نمی‌خورد، هنوز مخاطب دارد و به لطف ناشرین خاص یک کتاب نه چندان ارزشمند ۱۳۰ صفحه‌ای به زور تبلیغات و خلاء آثار خوب به

تیراژ سی هزار جلدی می‌رسد.

در این روندِ برخوردِ جامعه فرهنگی ما با آثار نویسندگان مطرح، آنچه که تغییر نمی‌کند، صاحب سبک شدن نویسنده و خلق آثار مورد نیاز واقعی جامعه است. به همین علت دولت‌آبادی سال‌های سال است که آثارش را بدون نقد نوشته و چاپ کرده و اگر انتقادی هم شده به آن توجه نداشته و اینک به جایی رسیده است که پس از ده‌ها سال نوشتن، هنوز قادر به رعایت ابتدایی‌ترین اصول داستان‌نویسی مطابق استانداردهای جهانی نیست و هنگامی که از او پرسیدم که شما در نگارش آثارتان از چه سبک و روشی استفاده می‌کنید؟ جواب داد: «من نویسنده ایرانی هستم و هر چه می‌نویسم متد خودش را دارد و از همه آنها هم چیز یاد گرفته‌ام.»

به همین دلیل است که آدمی مثل ابراهیم گلستان در مصاحبه‌ای می‌گوید: «من اعتقاد ندارم که آثار دولت‌آبادی در جامعه اثر داشته باشد. آقای دولت‌آبادی زحمت می‌کشد، خیلی می‌نویسد که به قوی ارزش دارد، ولی اینها در حد درک شرایط اجتماعی نیستند.»

● چرا درک شرایط اجتماعی روزگار ما در آثار دولت‌آبادی نیست؟

برای اینکه دولت‌آبادی از اولین آثارش تا آخرین آنها در قالب اطناب‌نویسی و داستان‌پردازی سعی کرده است ادبیات را آلوده به ایدئولوژی‌اش کند، از این‌رو داستان‌هایش در قالب یک محور خلق می‌شوند و اغلب شبیه یکدیگرند. راوی زندگی تلخ افراد خاص بودن

و حل مشکلات آنها را در معیارها و ارزش‌های یک ایدئولوژی پنداشتن و در این چهارچوب قلم زدن و به قول طرفدارانش بزرگ‌ترین رمان زبان فارسی را به نگارش درآوردن چیزی جز آن نیست که او در قلم‌فرسایی‌های طولانی و خسته‌کننده و غیرضرور نظریه‌های ایدئولوژیک خود را به ادبیات تبدیل می‌کند. نسل‌های جوان ما باید توجه کنند که زندگی آینده را نمی‌توان بر پایه این‌گونه نظریه‌ها ساخت. جامعه امروز ما به آثاری نیاز دارد که راه درست برای شناخت زمان حال و پیمودن صحیح مسیر آینده را نشان دهد. بنابراین نویسندگان ما باید استقلال اندیشه بیابند و به جای تکرار داستان‌هایی از ایدئولوژی‌های تاریخ مصرف گذشته، به افق امیدوار کننده آینده نگاه کنند. وای به حال زمانی که نسل‌های آتی از امروز ما برای خود امیدی نیابند و راهی به سوی آینده پیدا نکنند.



با محمود دولت‌آبادی در سال ۱۳۴۸ آشنا شدم. پنجاه و یک سال پیش. زمانی که در دانشگاه تهران درس می‌خواندم و زمینه‌های تصورات و افکار روستایی در ذهن‌ام پر بود. لذا کتاب «اوسنه بابا سبحان» این نویسنده را از فروشگاه انجمن دانشجویی خریدم و آن داستان چون ارتباط به روستا داشت، به دلم نشست. زندگی بابا سبحان پیرمرد فقیر کشاورز از کار افتاده، من را به یاد دایی علی محمد همسایه‌مان در روستای زادگاهم می‌انداخت که زندگیش شبیه زندگی بابا سبحان بود.

پیرزن پول‌دار، عادل‌ه خانم عملکردی مانند اربابان ده خودمان داشت که چگونه روستاییان را به استثمار می‌کشیدند و آنها مجبور بودند سخت و طاقت‌فرسا روی زمین‌های ارباب به کشاورزی مشغول شوند تا نان بخور و نمیری برای خود و خانواده‌شان به دست آورند. درگیری میان عادل‌ه و فرزندان بابا سب‌حان، دعوای شدید دایی علی محمد و فرزندانش با ارباب ده بر سر میزان حق‌آبه روستاییان را برایم تداعی می‌کرد که چگونه فرمانده ژاندارمری ده از ارباب پشتیبانی کرد و حق دایی علی محمد را پایمال نمود.

اگر چه داستان اوسنه بابا سب‌حان کمی سیاسی بود و بیشتر رمانتیک ولی دولت‌آبادی از همان موقع به تفکرات چپ، گرایش داشت و این کتاب را به سعید سلطان‌پور شاعر پرشور جریان‌های چپ تقدیم کرده بود. بعدها که با سایر آثار دیگر این نویسنده آشنا شدم به راحتی جای پای جریان‌ها و تفکرات چپ و به ویژه حزب توده را در نوشته‌های او آشکارا می‌دیدم. اکنون نیز کتاب اوسنه بابا سب‌حان که در سال ۱۳۴۷ یعنی ۵۲ سال قبل منتشر شده بود، در سال ۱۳۸۳ توسط انتشاراتی که بسیاری از آثار نویسندگان ایرانی و غیرایرانی که دارای گرایش‌های چپ هستند را چاپ کرده، این کتاب دولت‌آبادی نیز به زیور طبع آراسته شده و دوباره به بازار آمده است. نگارنده رسالت و تعهد خود را معطوف به این کرده است که به نقد پاره‌ای از آثار جدید این نویسنده در حد بضاعت خود برای آشنایی نسل‌های جوان ایرانی با این‌گونه آثار، پردازد. بنابراین در این

کتاب پنج نقد درباره آخرین نوشته‌های دولت‌آبادی و یک مصاحبه با ایشان گردآمده است که امیدوارم مورد توجه جامعه نقدپذیر ما به ویژه جوانان قرار گیرد.

حسن گل محمدی

تهران - ۱۳۹۹